



۲۰۱۸/۰۵/۲۸

میر عبدالرحیم عزیز

استعمال نام "افغانستانی" گناه نیست،

جرم است

فاضل محترم دیپلوم انجنیر "خلیل الله معروفی" مضمون آموزنده ای را به ارتباط مقاله دانشمند گرانمایه محترم "ولی احمد نوری" در شماره (۸۹/۸۸) مجله وزین "عقاب آریانا" منتشره میونسشن آلمان در سال ۲۰۰۵ به نشر سپرده بودند که مطالعه آن را به هر افغانی که خود را متعلق به افغانستان می داند سفارش می کنم. با وجودی که افتخار دوستی و آشنائی را با جناب محترم انجنیر معروفی تا آن زمان حاصل نکرده بودم، اما تلاقی فکری و مطبوعاتی سبب گردید که تا ایندم از افتخار دوستی و دانش بیکران انجنیر صاحب معروفی مستفید گردم که خود را ازین بابت سعادتمند می یابم.

طرز استدلال جناب محترم انجنیر "معروفی"، ارزش منطقی مضمون شان را بالا می برد و خواننده را مجنوب شیوه کلام و انتخاب کلمات جذاب آن می سازد. صرف می خواهم که به عرض شان برسانم که من هم مانند جناب "ولی احمد نوری" استعمال نام «افغانستانی» را به جای نام "افغان" با ارائه دلایل آتی، یک جرم به سویه خیانت ملی می دانم، نه گناه.

۱. قوانین اکثر کشورها جاسوسی، تروریسم، تشویق جنگ داخلی، ایجاد نفاق افگنی، اقدامات تجزیه طلبی و حتی ترویج مواد مخدره را به منظور انهدام امنیت ملی، یک عمل ضد کشوری و ضد دولتی می دانند که "خیانت ملی" پنداشته می شود. وقتیکه یک فرد، شخصی را به قتل می رساند، این عمل وی صرف یک فرد و یا شاید یک فامیل را متضرر سازد، در حالیکه با ارتکاب خیانت ملی، کتله عظیمی از مردم آسیب دیده و امنیت ملی همان کشور به نحو خطرناکی صدمه می بیند. در اضلاع متحده امریکا این نوع اعمال ضد منافع ملی و ضد دولتی را به اسم های تریزن (Hight Treason) که همان **خیانت ملی است**، یاد می کنند و متهمین به ارتکاب این نوع جرایم نه در محاکم عادی جنائی، بلکه در محاکم اختصاصی فدرال محاکمه می شوند. چون دولت فدرال مسؤول تأمین امنیت و حافظ استقلال و منافع علیای کشور است، بناءً، دولت فدرال متهمین به خیانت ملی را محاکمه می نماید و طبق قوانین اداره فدرال برای شان جزا تعیین می کند. در صورت ثبوت جرم، محکومین به اعدام یا به حبس طویل المدت محکوم می گردند. ما بایست حوادث ترکیه را در دو سال اخیر مورد ملاحظه قرار

دهیم که نظام اردوغان چه محشری را بر سر افراد دخیل در کودتای نافرجام ماه جولای ۲۰۱۶ این کشور تحمیل کرده است. هزارها تن به جرم خیانت ملی و دست داشتن در انهدام ترکیه یا اعدام شدند و یا اینکه محکوم به حبس طولانی گردیدند.

■ آیا نظام فاسد آخندی ایران تحمل دارد که یک ایرانی تقاضای تغییر نام این کشور را به فارس و یا خراسان نماید؟

■ آیا یک ایرانی شهامت این را خواهد داشت که یک دولت خود مختار را در اصفهان و مشهد اعلام کند؟ نظام فاسد آخندی سر تجزیه طلبان را از تن شان خواهد کند و حتی اعضای فامیل های شان را حلق آویز خواهد کرد.

■ آیا دولت فاشیستی پاکستان این تحمل را دارد که یک پاکستانی بندر کراچی را منحصی یک کشور جداگانه اعلام بدارد؟ سرنوشت این فرد مانند ذوالفقار علی بوتو خواهد بود.

صرف نظام ضد ملی و ضد مردمی کابل است که از خائنان هراس دارد و اعمال ضد منافع ملی آنها را که باعث برپادی افغانستان می شود، نادیده می گیرد. دلیل این اغماض فقدان هویت ملی نظام و کدر رهبری این نظام است که توسط متجاوزین در مقامات دولت مستعمراتی کابل نصب شده اند.

در اینجا سؤال خلق خواهد شد که استعمال نام "افغانستان" به جای "افغان" چه ارتباطی به خیانت ملی دارد؟ جواب به این سؤال ما را به ماده دوم این مقال راجع می سازد.

۲. من استعمال کلمه "افغانستان" را به جای نام "افغان" یک برنامه مجرد و ساده نمی پندارم، بلکه آنرا جزء یک توطئه عظیم از جانب دشمنان داخلی و خارجی افغانستان غرض انهدام کامل کشور ما تلقی می نمایم. لطفاً به مضمون اینجانب تحت عنوان "برتری نظامی امریکا، تفوق سیاسی روس، تسلط فرهنگی ایران و دستپاچه بازی پاکستان: چطور مزدوران مسلکی خرید و فروش می شوند؟ قسمت دوم" که در این سایت به دید خوانندگان گذاشته شده،

http://www.arianafghanistan.com/UploadCenter/R_aziz_taotea_haye_ajaneb_dar_afghanistan_۲.pdf

توجه فرموده و با مطالعه آن در خواهند یافت که استعمال نام "افغانستان" از کجا سرچشمه گرفته و هدف نهائی دشمنان کشور چه است؟

یاد آور می شوم که اکنون شش کشور: روسیه، ایران، پاکستان، ترکیه، برتانیه و امریکا با اهداف خاص سیاسی و نظامی خاص خود و با استفاده از عمل و میهن فروشان داخلی در تخریب و انهدام هویت ملی و نام کشور ما می کوشند و درین جهت از خیانت یک تعداد از بی مسلکان و بی هویتان مستفید می شوند. هند هم در عقب، ناظر اوضاع است تا بتواند پاکستان را در افغانستان ضربه بزند، حتی اگر به قیمت نابودی کشور ما هم تمام شود. به اثر مجاهدات مردم با شرف افغانستان که شامل همه اقوام است، دشمنان خارجی و داخلی افغانستان در این اواخر با شکست های افتضاح آمیزی مواجه شده و توطئه های شان یکی پی دیگری به یک نحوی خنثی گردیده است. این میهن دوستی هموطنان ما، وطنفروشان حرفوی را با حامیان و مشوقین اجنبی شان سخت

درمانده و بیچاره ساخته است و هر روز در صدد طرح توطئه دیگری می برآیند تا سر انجام عملی شدن یکی از این توطئه ها نتیجه دلخواه برای شان بار آورد.

در چند سال اخیر، دشمنان افغانستان به انواع مختلف دام تزویر را سر راه مردم گذاشتند، اما به جز اندکی از مردم ضعیف النفس و فرومایه که در چنگال اجانب گیر افتاده و خود و وطن را فروخته و کشور را به تباهی کشانیده اند، بقیه هموطنان نجیب ما با وجدان سالم و روحیه سرشار از حب وطن به طرز کار و نیات شوم و تخریبی خائن ملی پی برده و با هوشیاری و درایت کامل شرف و وجدان ملی خود را حفظ کرده و در دام میهن فروشان نیفتاده اند.

۳. آیا در حالت کنونی محاکمه خائنان ملی میسر است؟ جواب این سؤال منفی است. چه در یک افغانستان اشغال شده و با نصب یک نظام مستعمراتی و نبود یک نظام ملی و متکی به اراده مردم، ناممکن است که بتوان افراد خائن به کشور را محاکمه نمود.

❖ اگر در افغانستان یک نظام متکی به اراده مردم وجود میداشت، آیا افرادی مانند گلاب زوی، تنی، نورالحق علمی، جلیلی، لطیف پدram و سایر همکیشان آنها می توانستند به افغانستان برگردند و فعالیت سیاسی میهن فروشانه نمایند؟

❖ اگر در افغانستان یک نظام ملی و مردمی متکی بر اراده مردم وجود می داشت، آیا افرادی مانند پدram، قانونی و منصور (زمانی نامزدان ریاست جمهوری که می خواستند زمامدار کشور هم شوند) جرأت می کردند که بطور علنی به خیانت ملی خویش افتخار کنند و بدون هیچگونه سرافکندگی و ندامت، با پر روئی و بی شرمی بگویند که :

"ما افغان نیستیم" ؟

❖ اگر در افغانستان یک نظام متکی به اراده مردم وجود می داشت، آیا دوستم، سیاف، ربانی، کرزی و مسعود ها با تمام جنایات گذشته شان می توانستند زندگی با شکوهی را به راه اندازند و حاکم بر سرنوشت مردم ما گردند؟ درین حالت ناگوار میهن، وظیفه همه افغان های با وجدان و با شرف است (از هر تباری که باشند) که از تاریخ، نام و هویت ملی خود و کشور مصیبت زده شان دفاع نموده و نگذارند که وطنفروشان مسلکی در بربادی افغانستان موفقیتی حاصل نمایند. با نادیده انگاشتن اعمال ضد ملی خائنان و فروخته شدگان، نسل های آینده ما را مسؤول رشد و تشویق این گروه نابکار خواهند دانست و تاریخ کشور ازین اغماض ناجایز و غیر قابل عفو نسل امروزی، با ننگ و شرمساری یاد خواهند کرد.

۴. خاینان از کجا الهام می گیرند و حمایت می شوند که با پر روئی نغمه تجزیه افغانستان و تغییر نام کشور را می نوازند؟ بدون پشتیبانی مالی و معنوی دستگاه های استخباراتی کشورهای فوق الذکر، افراد و گروه های خائن به میهن هرگز توانائی تبارز سیاسی و اجتماعی را ندارند. اوضاع نا به هنجار کشور ما به هر فرد خاک فروش و بی هویت جرأت بخشیده است که علیه میهن و ناموس کشور عربده بکشد و امنیت کشور را به مخاطره افکند. دستگاه های استخباراتی شش کشور که در بالا نام برده شد، با صرف میلیون ها دالر، سخت در بی هویت ساختن مردم افغان و اضمحلال افغانستان تلاش دارند. البته هر یک ازین کشورها مرام های متفاوتی دارند، اما در نهایت محو و نابودی

افغانستان هدف نهانی و نهائی همه آن کشورهای دخیل در قضیه افغانستان است. از زمره شش کشور، ایران و پاکستان دشمنان اولی هویت افغانستان و افغان ها هستند. نظام فاسد آخندی ایران و نظام فاشیستی پاکستان نهایت درجه سعی می ورزند که افراد تحت حاکمیت خود را تمویل و تجهیز نمایند تا افغانستان را بی ثبات سازند. صدائی که از حلقوم پدرام ها، مسعود ها و سایر بی هویتان می براید، از جای دیگری منشأ می گیرد. شاید تقصیر این خائنان و حامیان بین المللی شان نباشد. در حالت کنونی اشغال کشور، تحمیل یک دولت مستعمراتی و نصب افراد بی پرنسیب و فاقد همه شرافت انسانی در اریکه قدرت، زمنیه ساز ظهور انسان های بی هویت در کشور شده است.

تا زمانیکه افغانستان از سیطره بیگانان نجات نیابد و حاکمیت و استقلالش اعاده نگردد و انسان های نجیب و خدمتگار و دور از خطا کاری های عمدی در رأس هرم سیاسی کشور قرار نگیرند و یک نظام دموکراتیک مردمی پا به عرصه وجود نهد، افغانستان روی سعادت و آرامش را نخواهد دید و میهن از شر فاسقان و میهن فروشان حرفوی پاک نخواهد شد. با گفتار فوق به این نتیجه می رسیم که:

استعمال کلمه "افغانستانی" گناه نیست، جرم است

